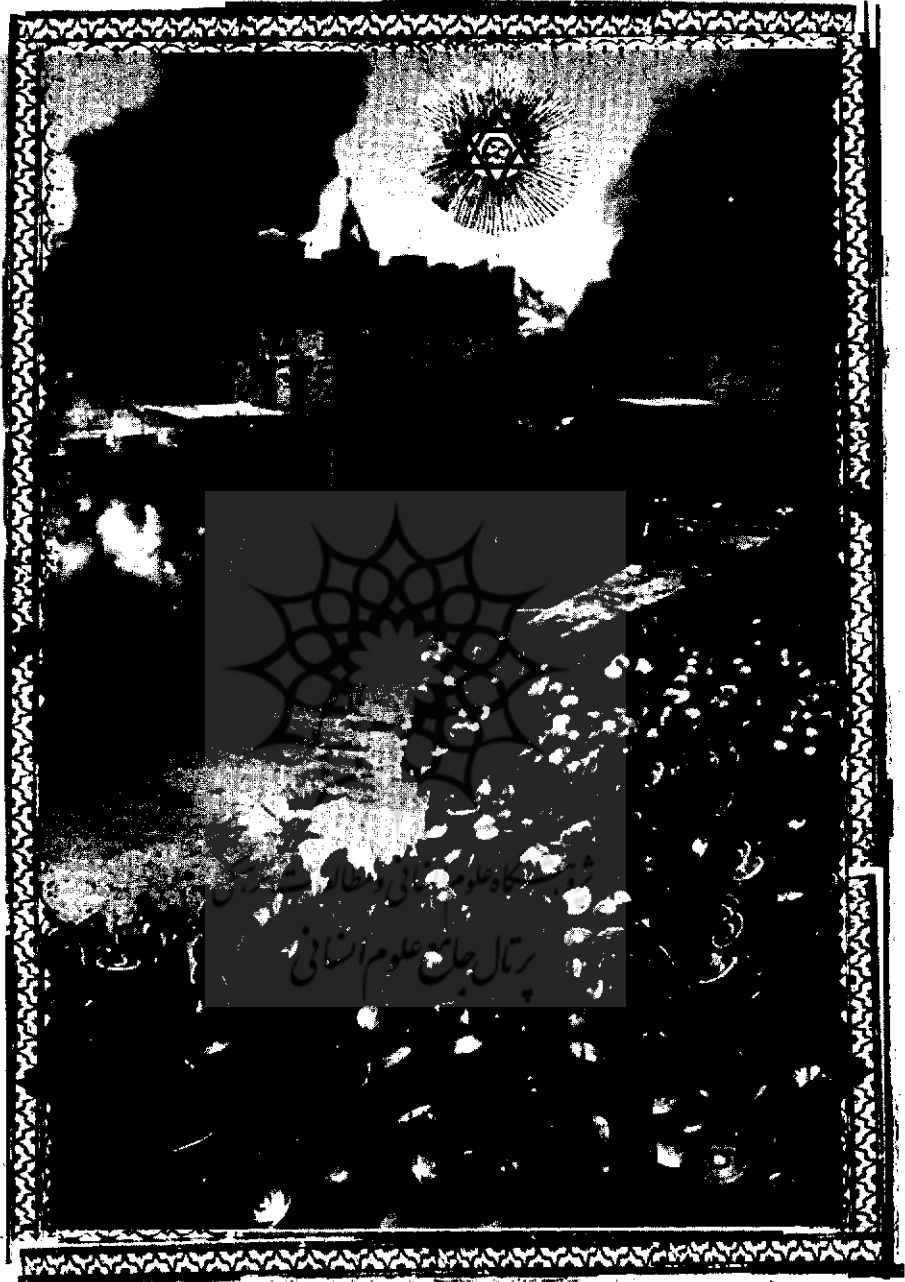
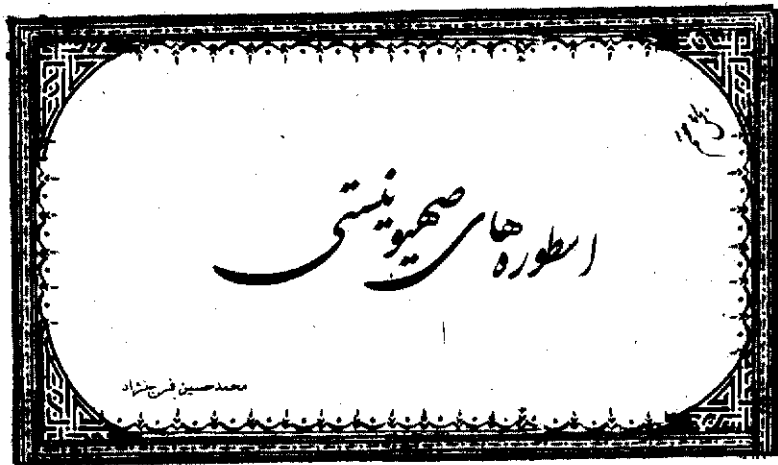


پروشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
رتال جامع علوم انسانی

انظام



موسسه عالی علمی و تحقیقاتی
سال چهارم علوم انسانی



حمله‌های یهود به عصمت پیامبران و حجیت وحی

در فیلم‌های هالیوودی، درباره‌ی پیامبران نوعی رابطه‌ی علی و معلولی میان ساده‌لوحی و پیامبری برقرار است. این تلازم جعلی صهیونیستی، باعث می‌شود مخاطب، پیامبران را برتر از خود نداند و جذب آن‌ها نشود؛ در نتیجه وحی را به منزله‌ی یکی از روش‌های معرفت‌نپسند و اسیر حس‌گرایی و پوزیتیویسم و عقل‌معیشت‌اندیش روزمره - راسیونالیسم - شود.

کنار گذاشتن وحی در زندگی بشری، نتیجه‌ای جز فقر، فساد، تبعیض گسترده‌ی جهانی، اختلاف طبقاتی، آلودگی‌های گوناگون و حاکمیت پول و ماشین بر زندگانی آدمی ندارد؛ چنان‌که اکنون شاهدیم در نبود وحی، بازی‌هایی هم‌چون آزادی رسانه‌ها، دموکراسی فریبنده، مکتب‌های مادی و غفلت‌های صنعتی و سرگرمی‌های مضر و بی‌فایده، حقیقت تلخ موجود را پوشانده است و مردم دنیا را سرگرم کرده است.

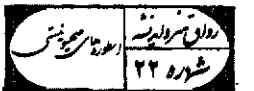
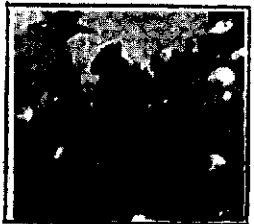
با نگاهی عمیق به استدلال‌های فلاسفه، حکما، متکلمان مسلمان و مسیحی در عصمت پیامبران ثابت می‌شود که پیامبران الهی اگر معصوم نباشند هدف از بعثت آن‌ها محقق نمی‌شود و راهی برای توجیه و گمراهی باقی نمی‌ماند اگر بپذیریم پیامبر اولوالعزمی چون **ابراهیم خلیل (ع)** برای پول و ثروت و از ترس فرعون، حاضر می‌شود همسر خود را خواهر خود معرفی کند و در اختیار فرعون قرار دهد، از کجا معلوم که در فهم و انتقال وحی هم ترس و پول‌دوستی بر او غلبه نکند؟ از کجا بدانیم که بقیه‌ی حرف‌های او هم برای قدرت‌طلبی و توسعه‌ی اموال نبوده است؟

براساس برهان‌های عقلی بر عصمت که در کتاب‌های کلامی می‌بینیم، همه‌ی پیامبران الهی، حتی پیش از بعثت هم از هر گناه و آلودگی پاک بوده‌اند و عصمت اختیاری بوده است که به دلیل فهم و درک بالای پیامبران که والاترین حکیمان عالم بوده‌اند در آنان ملکه شده است و خداوند

۱. چرا هالیوود پیامبران را مسخره می‌کند؟ پیشین.
 ۲. راه و راهنما: فلسفه‌ی معارف قرآن ۳ و ۴ علامه محمدتقی مصباح یزدی، نشر مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۶.
 فصل عصمت ص ۱۳۷ و هم‌چنین بنامه‌ی معارف الاهیة فی شرح عقاید الالامیه، نسخ محمدرضا مظفر، محاضرات امتداد سید محسن خراسانی، جزء اول، مؤسسه انتشارات املاک، قزوین، چاپخانه مدرسین، قم، عقیدت‌های عصمه الالامیه، چاپ ششم، ۱۳۲۱، قم، عقیدت‌های عصمه الالامیه، چاپ ششم، ۱۳۲۶.

۲. عبدالحمین خسروی، کلام جدید، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم، چاپ اول، پاییز ۱۳۶۶، قم، ص ۲۳۲

۳. ژان دارک (Jeanne d'Arc) اثر لوک بسون فرانسوی (Luk Besson) با نام کامل فرستاده، دانش ژان دارک (The Messenger: The story of Joan of Arc) محصول سال ۱۹۹۹ می‌باشد. این اثر چشمن بین فیلمی است که دربارهٔ این دختر فرانسوی، در قرن بیستم ساخته می‌شود. اولین نسخهٔ فیلم ژان دارک با نام مستطاب ژان دارک (La Passion de Jeanne d'Arc) در سال ۱۹۲۷ به صورت سیاه و سفید توسط کارگردان تئودور درزیر ساخته شد و در ۱۹۲۸ در پاریس به مدت ۱۱۰ دقیقه اکران شد. فیلم دیگر ژان دارک با بازی اینه‌گرید برکنم در نقش ژان توسط ویکتور فلمینگ - کارگردان پسر پادشاه - در سال ۱۹۲۸ ساخته شد. برنولت برشت شاعر و نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر آلمانی (۱۸۹۴ - ۱۹۸۸) هم در ایام داستان این فیلم‌ساز سالگرد شجاع فرانسوی، نمایشنامه‌ای ترازیک به نام ژان دارک نوشته است. فیلم دایلمار ژان دختر جوان هم در سال ۱۹۹۲ با بازی مادلین بویر ساخته شد. در سال ۱۹۹۵ نیز خانم کاترین بیکو، لوک بسون را مدیر تولید پروژه - لئو - ژان دارک - کرد ولی به دلیل اختلاف با هم بر سر انتخاب نقش اول، دو فیلم ساخته شد که ۱۹۹۸ فیلم ژان دارک خانم بیکو به نقش اولی میرا سورینو بخش شد و ۱۹۹۹ فیلم لوک بسون به نقش اولی میلا بروچ بخش شد.



هم با علم قبلی به شایستگی پیامبران، آن‌ها را برای انتقال شریعت خود برگزیده و اگر این چنین نبود، مردم نمی‌توانستند به وحیانی بودن سخن پیامبران اطمینان کنند و در نتیجه شریعت الهی قابلیت اجرای خود را از دست می‌داد پس راهی برای دفاع از وحی و شریعت خدا باقی نمی‌ماند، بعثت پیامبران بی‌دلیل می‌شد و حکمت خدا زیر سؤال می‌رفت.

بی‌دلیل نیست در یهودیت و مسیحیت فعلی که خدا هم جسمانی و ناقص تصویر شده است، چهره‌های مخدوش، گناه‌کار، ترسو، ساده‌اندیش، پول‌دوست و شهوتران از پیامبران خدا، نیز تصویر شود. توحید و نبوت دو اصل اساسی هستند که همدیگر را تأیید، تثبیت و تکمیل می‌کنند و با خدشه‌دار شدن یکی، دیگری هم آسیب می‌بیند. بی‌شک یکی از دلایل اصلی ترویج عصمت نداشتن پیام‌آوران وحی در رسانه‌های صهیونیستی، بی‌اعتبار کردن خداشناسی توحیدی و لزوم زندگی دینی است تا بتوانند قوانین بشری را برای استعمار بشر به او غالب کنند و راه برای ظلم و غارت بیشتر آن‌ها باز بماند.

در یهودیت، شأن نبوت، تا پیش‌گویی یا پادشاهی سکولار و دنیوی کاهش یافته است و در مسیحیت، مسیح را به خدای تجسم یافته فروگاهیده‌اند و این هر دو، لبهٔ تیز یک قیچی هستند که پیامبری، رسالت و شریعت الهی را از صحنهٔ زندگی بشر خارج می‌کرد و باعث می‌شد وحی به کلی از زندگی بشر خارج شود، ولی با مشکلات جدید، بزرگان جدید غرب، بحث تجربهٔ دینی و تجربهٔ عرفانی^۲ را برای وارد کردن دوبارهٔ متافیزیک به زندگی بشر، به راه انداختند که همین هم باعث شد از شأن والای شریعت‌آوری پیامبران بکاهد و راهی جدید برای نفی شارعیّت آن‌ها باز شود تا شیاطین بتوانند وحی را تا حد یک تجربهٔ شخصی فرو بکاهند و خاتمیت را انکار کنند و روشنفکران را پیامبران عصر جدید بنامند به‌گونه‌ای که رسالت آن‌ها بازگرداندن بشر به دست‌آورد‌های اومانستی و سکولار غرب است و با بسط تجربهٔ نبوی، راه نفوذ زرسالاران عالم به همهٔ جوامع را هموار کنند.

ژان دارک^۲

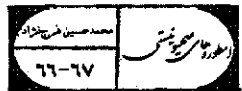
ژان دارک ساخته لوک بسون هم یک بازسازی هنرمندانه از اسطوره‌های فرانسوی بود که با تدوین غیر تداومی خود باعث مبهم کردن فضای فیلم شد. این فیلم با درآمیختن مکاشفه‌های

شیطانی و الهام‌های مسیحیایی در ذهن دخترک ستاره فیلم بر نظریه‌های جدیدی که وحی را در حد تجربه‌ای شخصی قبول کرده‌اند، صحنه گذاشت. هم‌چنین به شیطان، قدرتی بخشید که در الهام‌هایی که ژان خیال می‌کرد از سوی خدا و مسیح است، وارد شود.

ژان از کودکی دختری پاک و مؤمن به کلیساست که با هجوم انگلیسی‌ها به روستای سرسبزشان و نابودی آن، کینه آن‌ها را در دل خود می‌کارد. وقتی که سرباز انگلیسی به قصد تجاوز، خواهر ژان - را که جای پنهان شدنش را به ژان داده بود - را در برابر چشمان وحشت‌زده ژان کشت، حس انتقام در ژان زنده شد و سپس با اوام، احساس کرد که خدا - مسیح - به او می‌گوید شمشیر بردارد و به جنگ با ارتش انگلیس برود. پس از چندی ژان، این مسئله را با کشیش روستا در میان گذاشت و کشیش به او سفارش کرد که این مطلب را حتی با والدینش در میان نگذارد. ولی ژان در سال ۱۴۲۹م. به دور از چشم پدر و مادرش روستای خود - دوسری از توابع اورلئان - را ترک کرد و به تنهایی تالیور در نزدیکی شینون - دربار ولیعهد بدون تاج و تخت فرانسه، شارل هفتم - رفت.

کارل یا شارل هفتم که مانند پدرش دهن‌بین و خوشگذران بود، باعث سلطه انگلیس بر فرانسه شده بود. ژان دازک که به قصر وارد شد، کارل را که به‌طور ناشناسی در میان افراد پنهان شده بود، را از میان جمعیت شناسایی کرد و اطمینان ولیعهد را به دست آورد و با سپاه کوچکی در نخستین مأموریت خود موفق شد ضرباتی را به سپاهیان انگلستان وارد کند. مردم او را دوشیزه اورلئان خطاب می‌کردند. او باز هم ندهای آسمانی را برای نجات فرانسه می‌شنید. ژان باعث پیروزی فرانسه شد و شارل هم که اکنون احساس می‌کرد یک حامی آسمانی دارد تاج‌گذاری کرد و پادشاه فرانسه شد. ژان در ادامه به وسیله انگلیسی‌ها دستگیر شد و به جرم رد صلاحیت کلیسا به دلیل ادعای الهام مستقیم الهی از سوی خدا، محاکمه شد. کلیسای انگلیس هم‌چنین او را به جادوگری و رابطه با شیطان متهم کرد. پس از ماه‌ها نیز او را مرتد شناختند. ژان که می‌خواست منکر الهام‌های غیبی خود شود و بپذیرد آن‌ها شیطانی‌اند، پشیمان شد و بالاخره به حکم ارتداد در ۳۰ می ۱۴۳۱م. در سن ۱۹سالگی در آتش سوزانده شد.

تدوین غیر تداومی لوک بسون، در ابتدا انسان را درباره الهام وحی به ژان به اشتباه می‌اندازد. در



ادامه نیز، مخاطب شک می‌کند که شاید الهامی در کار نبوده و این ذهن انتقام‌جوی ژان است که او را به برگرفتن شمشیر و قلع و قمع انگلیسی‌ها دعوت می‌کرده است؛ شاید هم شیطان بوده که با سوء استفاده از ضعف زنانه و احساسات کینه‌توزانه ژان، او را به برگرفتن شمشیر و قربانی کردن عده‌ای انسان و گسترش جنگ فرا می‌خوانده است.

با دیدن این فیلم پرسش‌های زیادی در ذهن مخاطب پدید می‌آید. یکی از منتقدان^۵ به برخی پرسش‌ها اشاره کرده است:

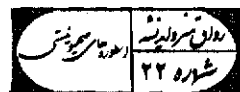
۱. به استناد کدام علامت محکم و جدی، ژان و امثال وی به این ایمان رسیده‌اند که تا پای سوختن نیز پیش می‌روند؟
۲. به گفته ابلیس از کجا بدانیم که در فیلم ژان دارک لوک بسون، آن نشانه‌های الهام‌شونده، توهم و تأویل خود ژان نبوده‌اند؟
۳. شاید آن شمشیر فقط یک شمشیر جنگاور است که ژان را به توهم منجی بودن و الهام از سوی خدا رسانده است؟
۴. عوامل کلیسای انگلیس چگونه به این نتیجه رسیده‌اند که ایمان آن‌ها از ایمان ژان قوی‌تر است و او را می‌سوزانند؟
۵. آیا هر کس مجاز است با تکیه به ایمان درونی خود، ایمان دیگری را تکفیر کند؟ آیا خود در معرض تکفیر نیست؟

و...

بی‌شک مخاطب غربی و مسیحی که مسیحیتش بر اساس عقل نیست و هم‌چنین مخاطب ایرانی و مسلمان عوام، که دینداری‌اش تقلیدی است پاسخ این پرسش‌ها را در نمی‌یابد؛ در نتیجه، در اصل لزوم ایمان به وحی و مسیح و سپس در اصل رسالت پیامبران و این‌که ملاک تمایز رسالت الهی و مکاشفه شیطانی چیست، شک می‌کند، ولی مخاطب فهیم مسلمان که اصول دینش نه از روی تقلید که پس از جست‌وجو به دست آمده، به راحتی با ملاک‌های عقل سلیم و به دور از شهوت، تشخیص می‌دهد که مکاشفاتی که با نص صریح شرعی و عقل سلیم منافات دارد، شیطانی است. جنگ اگر در مقابله با ظلم باشد، مقدس است و اگر بی‌منطق باشد، نامقدس و آدم‌کشی است. افزون بر این نشانه‌ها، لزوم وجود نبی و نقص تجربه عقلی بشر، بسیار روشن است. با استناد به آیه‌های محکم الهی که در آن شیطان از دست‌یابی به بندگان مخلص الهی منع شده است،^۶ هیچ خدشه‌ای در درستی فهم و ابلاغ وحی از سوی پیام‌آوران حق وارد نمی‌شود.

در اسلام، برخلاف مسیحیت و کلام جدید که ایمان را در حد یک تجربه درونی شخصی فروکاهیده‌اند، ایمان پشتوانه عقلی و معرفتی دارد و ایمان، حکم و عقل در یک راستا هستند نه

۵. حسین پورستار در مطلبی با نام (با همه چیز تمام) در وبسایت www.poorsattarkhodam.persian.blog.com به تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۷، شیطان در قسسی اعتراف کرد که: فی‌رئسک لاشوینهم اجمنین الا عبادک منهم المخلصین یعنی: به عزت و جلال تو (خدا) سوگند که همگان را گمراه نخواهم کرد مگر بندگان مخلص (مخلص شده) را. سوره ص، آیه ۸۲.



این که با هم ناسازگار یا در ستیز باشند.

البته این انحراف‌ها در بحث تبیین وحی و الهام و خلط آن با تجربه شخصی فراگیر در اوان مسیحیت و انحراف‌های ضد عقل آن ریشه دارد. پس از معراج عیسی روح *الله* (ع) و حاکمیت تفکر پولسی شده در مسیحیت بود که اندیشه‌های سه‌گانه پرستی و تجسد خدا از اقوام دیگر در میان مردمان راه پیدا کرد و پس از تخریب ستون توحید، نبوت را هم بی‌معنا کرد. مسیح، پسر خدا شد که با تجربه شخصی خود دریافت که باید فدای گناه ازلی شود تا ایمان‌داران به او بخشیده شوند. البته هالیوود بحث مکاشفه‌های شیطانی و تجربه دینی غلط را در خود مسیح هم در فیلم *آخرین وسوسه مسیح* به وسیله *مارتین اسکورسز* به تصویر کشید. در این فیلم موهن، این پیامبر گران‌قدر الهی، فریب شیطان که خود را به صورت دختر جوانی در آورده است، می‌خورد و از صلیب به زیر می‌آید و با فاحشه‌ای ازدواج می‌کند، بچه‌دار می‌شود و حرف‌های مبلنی مسیحی را انکار می‌کند. در انتها، با تلاش *یهودای اسخریوطی* - خائن - به اصل خود باز می‌گردد و توبه می‌کند و به صلیب باز می‌گردد و فدا می‌شود. این فیلم، حتی از مسیحیت پولسیزده فعلی هم رد شد و مورد انتقاد جهان مسیحیت قرار گرفت. ولی بالاخره وحی و الهام الهی را به شدت زیر سؤال برده و خدای مسیحیان - مسیح - را هم مصون از فریب شیطان ندانست. حالا شما خود قضاوت کنید مخاطب بی‌دفاع فیلم‌های سینمای غرب که پیامبر و مقدساتش تحت تأثیر مکاشفه‌ها و فریب‌های شیطان هستند، به کدامین راه خواهد رفت؟

پرسش

هیچ‌گاه از خود پرسیده‌اید این چه سری است که قدرت مؤثر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بیش از یک و نیم میلیارد مسیحی دنیا از قدرت سیزده میلیون یهودی جهان کمتر است؟

تبلیغات جهانی، مصائب مسیح یهودی و خاتم پیامبران

زمانی که فیلم جنجالی مصائب مسیح را حدود ۴۶۰۰ سینما در آمریکا و کانادا به نمایش گذاشتند،^۷ این پرسش در ذهن برجسته شد که مگر بیشتر سینماداران بزرگ آمریکای شمالی، صهیونیست‌ها و یهودیان نیستند؟ پس چگونه فیلمی که ظاهراً ضد یهودی است، در این همه سینما، با هم پخش شد؟ اعتراض‌های برخی یهودیان علیه این فیلم را باور کنم یا همکاری گسترده یهودیان ثروتمند و صاحبان سینماهای زنجیره‌ای و تبلیغات جهانی با عوامل فیلم را؟ به راحتی سینماداران و اربابان رسانه در آمریکا، می‌توانستند نگذارند این فیلم پخش شود. درست مثل یونانمای محمد، خاتم پیامبران^۸ که با تلاش شرکتی با مالکیت یک عرب در هالیوود ساخته شد و پیش از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تکمیل شده بود و بنا بود در ۲۰۰۲ اکران شود؛ ولی به خاطر نیاز غربی‌ها و حاکمان صهیونیست کاخ سفید و هالیوود به ایجاد فضای اسلام‌هراسی پس از ۱۱ سپتامبر، بزرگ‌ترین دارندگان سالن‌های سینمایی زنجیره‌ای آمریکا مثل شرکت‌های *لویوز* و

۷. جنجال‌هایی که به نفع فیلم تمام شد صفحه نهمی

تصویر، شماره ۱۲۰، خرداد ۱۳۸۲، ص ۶۹

۸. فیلم *Muhammad the last prophet*

به کارگردانی یکی از کارگردان‌های

خوب وقت دینسی به نام ریچارد ریچ که سال ۲۰۰۱

پیش از حملات ۱۱ سپتامبر، ساخت فیلم را تمام

کرد. تهیه‌کننده فیلم، موفی گهرزی رئیس شرکت

بدر انترنشنال (*Badr International*) بود

و فیلم حدود ۱۲ میلیون دلار خرج برداشت و در سال

۲۰۰۲ پس از تحریک‌های فراوان شرکت‌های توزیع و

پخش فیلم و مواعظی که بر سر راه نمایش عمومی

فیلم ایجاد شد، شرکت مستقل همان مهدی گسروب

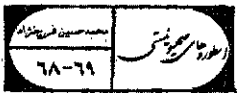
(*Fine media Group*) به ریاست گسروب

جمله پخش آن را به عهده گرفت. این اولین نود

دقیقه‌ای مورد تأیید ال‌ان‌اچ هم‌وقتی شد. ضمناً یک

نسخه عربی هم به تولید شرکت ایلدر، به ریاست

محمد بن‌المن السعیدی رسید.



ای.ام.سی این فیلم را تحریم کردند. حتی تلاش‌های موفق‌الحریمی رئیس شرکت بدر اینترنشنال^۹ که تولید کننده این فیلم بود، برای به خدمت گرفتن شرکت آیکن پروداکشنز^{۱۰} تهیه کننده فیلم جنجالی مصائب مسیح نیز بی نتیجه ماند.

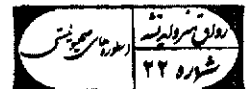
سرانجام، الحریمی در سال ۲۰۰۵، آسامه جمال رئیس شرکت تولید و بازاریابی فیلم قاین میدیا گروپ^{۱۱} را برای بازاریابی و پخش این فیلم در کانادا و آمریکا استخدام کرد. تحریم شرکت‌های بزرگ لویبر و اس.ام.سی هم به حوالی سال ۲۰۰۵، مربوط می‌شود. بالاخره با تلاش این شرکت عربی، بنا شد فیلم به مدت یک هفته، هم‌زمان با عید سعید فطر، به مدت یک هفته در کمتر از صد سینمای آمریکا ۹۳ سالن و برخی سینماهای کانادا به نمایش درآید.^{۱۲} آیا واقعا می‌توان پذیرفت که مصائب مسیح که به طور هم‌زمان از تبلیغات سرسام‌آور بهره جست و در ۴۶۰۰ سینما به نمایش درآمد - حدود ۵۰ برابر بیشتر از انیمیشن مذکور - ضد یهودی بوده است؟

بی‌شک باید با تأمل بیشتری با این اثر مسیحی - کاتولیکی برخورد کرد. چه چیزهایی در این فیلم پر سر و صدا بود که با وجود مخالفت برخی یهودیان، سران هالیوود و ابرشرکت‌های سینمادار آمریکا، آن را چنین تحویل گرفتند؟ آیا مخالفت برخی یهودیان صوری نبود؟ چرا هم‌زمان، برخی خاخام‌ها از پخش آن حمایت کردند؟^{۱۳} شاید با نگاهی به مضمون‌های اصلی طرح شده در این فیلم، پاسخ این پرسش‌ها داده شود.

در مصائب مسیح، گرچه عده‌ای از یهودیان، مسبب قتل مسیح(ع) معرفی شده‌اند، ولی برخی دیگر از کاهنان و بزرگان دینی یهود، جلسه ستهترین را ترک کردند و به این محاکمه معترض بودند. افزون بر این که همان عده از روحانیان یهود هم که باعث تصلیب وی شدند، در فیلم با ظرافت تبرئه می‌شوند؛ زیرا آن‌ها ابزار اجرای مشیت الهی در تصلیب جبری مسیح(ع) بوده‌اند و از سوی مردم بیت‌المقدس هم تصلیب او را از سران خود می‌خواستند و در پژوهی روشن‌فکری لیبرال، باید به دموکراسی احترام گذاشت. آن‌ها که با سینمای مسیحی آشناترند، به راحتی این تبرئه یهود و یهودای خائن را در فیلم‌های دیگری چون آخرین وسوسه مسیح هم دیده‌اند که چطور ایشان تنها ابزارهایی برای اجرای تقدیر الهی معرفی می‌شوند، نه ظالمان دنیاپرستی که به خاطر حفظ قدرت و موقیمت دنیوی خود از دین سوء استفاده می‌کنند. همین که در این فیلم، عیسی را فردی سکولار، غیر سیاسی و ذلت‌پذیر می‌بینیم، موضع ما را تقویت می‌کند. البته اگر اضافه کنیم که برخی منتقدان در تحلیل مصائب مسیح این نقد را داشتند که در فیلم بیشتر خشونت و شکنجه مطرح بود نه بررسی دلیل سیاسی - اجتماعی تقابل روحانیان یهود با مسیح(ع). شاید کارگردان از روی عمد به بررسی دلایل سیاسی - اجتماعی تصلیب ادعایی خود نپرداخته است و با پررنگ کردن مشیت‌گرایی، ذلت‌پذیری و سکولار بودن مسیح و اتخاذ شیوه بودایی - هندویی مبارزه مسالمت آمیز و منفی،^{۱۴} در مسیر کلان اربابان هالیوود قدم برداشته است و همین

9. Badr International CO.
10. Icon Productions CO.
11. Fine Media Group

۱۲. آخرین پیام، باشکوه و زیبا منبع پخش.
۱۳. حتی تظاهرات علیه فیلم توسط یهودیان سازمان داده شد و به دلیل این که پدر می‌گلسون نقدهایی به هولوکاست داشته است زخم‌های کهنه‌ای تازه شد؛ برخی یهودیان از فیلم حمایت کمال به عمل آوردند و اتهام کشتن مسیح را به برخی علمای دنیاپرست یهود و روس‌ها متوجه دانستند.
۱۴. درباره ترویج فیلم از شیوه بودایی - هندویی گفتنی که روش مبارزه منفی بود، نکته تحلیلی بر غلبه‌یافته مصائب مسیح چون برخی راهی مسیح، اشکان راز، مجله فلیپینگر، شماره ۲۲، تیر ۱۳۸۳، ص ۲۸.



دلایل است که باعث می‌شود این فیلم همزمان در ۴۶۰۰ سینما نمایش داده شود و فروش خیره‌کننده‌ای داشته باشد. برخی منتقدان با دقت چنین نتیجه گرفته بودند که سر و صلاها هم به نفع فیلم تمام شد و فروش آن را مضاعف کرد.^{۱۸}

این فیلم آموزه پولسی، یونانی، بت‌پرستانه سه‌خداگرایی^{۱۶} را بارها تکرار کرد و هرچه بیشتر موضع رسمی سه اکتوم‌گرایی تقویت شد، ستون ضعیف توحید را در مسیحیت فرو ریخت. ستونی که برخی دانشمندان منصف مسیحی چون *توماس میشل*^{۱۷} در حال بازسازی آن بودند و این به نفع اربابان کلیسا و هالیوود نبود. زیرا نفع آنان در گمراهی مردم و عقیده خرافی تثلیث بود نه پررنگ شدن خط توحید و ظلم‌ستیزی و عقلانیت مسیحیان دنیا.

دلیل دیگری که می‌توان برای تأیید این فیلم به وسیله یهودیان زیرک دنیا پرست آورده، این است که در فیلم، آشکارا با استفاده از زبان عبری و نمادهای عبرانی، فرهنگ عبرانی فلسطین در قرن اول میلادی تقویت می‌شد و فیلم به طور ضمنی بر ریشه‌دار بودن فرهنگ یهودی در فلسطین و ذوب بودن مسیح و یارانش در شریعت، آداب، سنن، زبان و فرهنگ یهودی صحه می‌گذاشت. انکار سازندگان و تبلیغات‌چی‌های فیلم، ادامه‌دهندگان راه *مارتین لوتر* و کتاب معروفش مسیح، یهودی زاده شد (۱۵۲۳م) هستند. اگر کسی بگوید چنین نیست، این پرسش بی‌پاسخ می‌ماند که اصولاً چه نیازی برای استفاده از زبان عبری در فیلم وجود دارد؟ مگر تا کنون فیلم‌هایی که درباره حضرت عیسی بن مریم (ع) ساخته شده‌اند، با زبان انگلیسی نتوانسته بودند منظور خود را برسانند؟ شاید گفته شود که کارگردان می‌خواست واقع‌گرایی فیلم را بالا ببرد و البته با کمی تأمل، در این پاسخ، شاهدهی محکم بر ادعای ما وجود دارد، زیرا واقع‌گرایی همان عبری‌گرایی است^{۱۸} و حاکمیت روح شریعت یهودی بر عیسی در این فیلم هم مؤیدی بر ادعای ماست، زیرا می‌دانیم در تاریخ، کسی که شریعت را از مسیحیت زدود و شریعت یهود را بر آن حاکم کرد، پولس بود؛ عالمی درباری و یهودی که ادعای مسیحیت کرد و تثلیث، الوهیت عیسی، جسمانیت خدا و القای شریعت موسوی و ذلت‌پذیری و برخی دیگر انحراف‌های مسیحیت را پایه‌گذاری کرد^{۱۹} و با جانشین به حق عیسی (ع) یعنی *پطروس رسول* یا *پیتر مقدس (ع)* مخالفت‌های زیادی داشت و به عبارتی، جانشینی پیامبر خدا را از او غصب کرد.^{۲۰}

۱۵- جنرال‌هایی که به نفع فیلم تمام شد منبع پیشین.

۱۶- درباره تألیفات پولس از دست‌نویس‌ها نیک مسیحیت شناسی مقدس‌های محترمنا نیبایی‌نیزند.

نشر نیروز- چاپ اول، سال ۱۳۸۲، تهران، ص ۹۱ به بعد.

۱۷- کلام مسیح، توماس میشل، حسین کوفتی نشر مرکز مطالعات و تحقیقات ادبی و مذاهب انتر ادیان، چاپ اول، ۱۳۷۷. همچنین در رابطه با

مسیحیان مخالف تثلیث نکته تالیف جامع ادیان جان بایرناس، علی‌اکبر حکمت، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سیزدهم بهار ۱۳۸۲، تهران، ص ۶۸۱ در این منبع می‌خوانیم:

مشکلی سرزودتر است. روبرو فرقه لوتیاریسم - یکی از فرقه‌های پروتستان - مشاهده کرد که پس از مطالعه تفهیم صحف عهد جدید مسئله تثلیث که

بر حسب اعتقادنامه تهیه برای عموم مسیحیان سری مشکل شده بود در آن صحف وجود ندارد و مختلف شد که این عقیده کفر محض و باطل است. سپس

رساله درباره خطاهای تثلیث در ۱۵۲۱ منتشر کرد. متأسفانه در ۱۵۵۲ خود پروتستان‌ها او را زنده زنده در آتش سوزاندند. امروزه در لهستان و ترکیه و سایر

ایرمان عقاید او که مخالف تطهیرت، ولایت می‌شوند.

۱۸- زبان راهی برای نفوذ صهیونیسم- پیشین.

۱۹- تاریخ جامع ادیان، منبع پیشین، ص ۶۱۶.

۲۰- تبار افراتد، پاره‌ش و نشر مؤسسه مطالعاتی و مطالعات فرهنگی لوح و قلم، چاپ یکجک پیامد

۱۳۸۲، قم، ص ۱۹۱. با نام مسیحیت پولسی، عملیات یهود برای تخریب دین مسیح و هم‌چنین در تاریخ

جامع ادیان، ص ۶۱۶ به اختلافات پولس و سایر حواریون اشارتی شده است.

